**جای پای زن**

 **احمدی، سلطنت**

جناب آقای باستانی پاریزی شرحی تحت عنوان(جای پای زن در جنگ قادسیه)در شمارهء اول فروردین 39 مجلهء شریفهء یغما مرقوم فرموده بودند.اینجانب با نداشتن سرمایهء علمی و تاریخی‏ و عدم اطلاعات لازم و کافی درین باره بر آن شدم بدین وسیله قدری از همجنسانم دفاع کنم. مقدمة باید بگویم که هرگز قصد طرفداری بیجا و قضاوت یک جانبه نداشته و ندارم.فقط آنچه را که بنظرم رسیده صحیح یا سقیم،عینا بنظر خوانندگان ارجمند مجلهء یغما میرسانم:

بعقیدهء اینجانب چون زن شریک زندگی مرد،و بعبارت دیگر مکمل وجود وی میباشد بنابراین جای پایش در همهء شؤن خانوادگی و اجتماعی مشهود است و دخالتش در امور مادی‏ و معنوی محرز و اجتناب‏ناپذیر بوده و خواهد بود.

از طرفی همانطور که از همهء مردان همیشه کار خوب و پسندیده ساخته نیست زنان نیز بنوبهء خود ممکن است گاهی مرتکب اشتباهاتی بشوند،اما این اصل اساسی را نمیتوان منکر شد که برخی از افراد بشر-اعم از زن و مرد-از آغاز تمدن تاکنون چقدر باجتماع خدمت کرده و تا چه درجه وجودشان‏ برای دیگران منشأ اثر و فایده بوده است.خدمات گرانبهای علماء،دانشمندان،مخترعین و مکتشفین‏ از یکطرف،و پرورش نیکو و امیدبخش فرزندان صلاح و درستکار در دامان مادران فهمیده و پرهیزکار از طرف دیگر بی‏نهایت مهم و قابل ستایش است و جا دارد که جامعهء انسانی در برابر مادران دانا و وظیفه‏شناش که واقعا مربی دانشمندان عالیقدر و خادمین عالم بشریت میباشند سر تعظیم و تکریم فرود آورد.

اگر سلطانی هوسباز مانند خسرو پرویز-که از عیاشی و خوشگذرانیهای وی داستانها نقل‏ کرده‏اند-هوای تملک زن یا کنیزکی با آن خصوصیات کذائی بسرش زده،و یکنفر درباری کینه‏توز هم خواسته است بدینوسیله از قاتل پدر خود انتقام بگیرد،تصور نمیرود در این میانه کوچکترین‏ تقصیری متوجه دختر بیگناه نعمان بن منذر باشد که روحش از این جریان خبر نداشت و بالاخره‏ در اثر پریشانی و استیصال ناچار شد بصومعه پناه برد!

کریستن سن میگوید:«بالجمله روایاتی که در منابع مختلفه راجع باحوال و اطوار خسرو پرویز نقل شده هیچیک محرک محبت خواننده نسبت باو نیست.در خصال این پادشاه کینه‏توز و درون‏پوش و عاری از دلیری و شهامت چیزی نمیتوان یافت که کاملا شخص را نسبت باو علاقمند کند.» و نیز اضافه کرده است:«برجسته‏ترین صفات خسرو میل بخواسته و تجمل بود،اگر بخواهیم بدرستی‏ سنگینی بار رعبت را بدانیم کافی نیست که خرمنهای زر و سیم و جواهر را در گنجهای خسرو بنگریم‏ بلکه باید مبالغ هنگفتی را که در راه عیش و عشرت خود و درباریانش بمصرف میرسانید در نظر بگیریم.»

فراموش نشود که آزرمیدخت هم دختر همین خسرو پرویز بود!و بمصداق آیهء شریفه:

فمن یعمل مثقال ذرّة شرّا یره

عواقب آنهمه اسراف و تبذیر و مردم‏آزاری دامنگیر اولاد انسان‏ میشود و قهرا آن نتیجهء وحشتناک و اسف‏انگیز را ببار می‏آورد.

بطوریکه نویسنده محترم اشاره کرده‏اند ضعف و انحطاط دولت ساسانی علل زیادی داشت‏ پس اگر سپاهیان رستم که از خراسان بمدائن آمدند متفقا با لشکر سیاوخش باعراب حمله میکردند باز هم در مقابل عدم قدرت و تسلط جانشینان کوته‏عمر و کوته‏نظر خسرو پرویز و آنهمه ملوک الطوایفی‏ و داعیهء مملکت‏گیری که از چهار طرف دولت متزلزل ساسانی را تضعیف و تهدید مینمود چندان‏ اثری نداشت و برای آباد ساختن خانه‏ای که از پای بست ویران شده بود کافی بنظر نمیرسید.

البته کشتن فرخ هرمزد(که مرتکب واقعی آن بدرستی معلوم نیست)فی نفسه و بآنصورت‏ عمل بسیار زشت و قبیحی بود ولی هرگاه آزرمیدخت تقاضای او را مبنی بر ازدواج رد میکرد یکی‏ از سرداران مقتدر را بدشمنی خود برانگیخته بود و مسلما وی بوسائل دیگری متشبث میشد و باز هم‏ بازار انقلاب و هرج‏ومرج رونق میگرفت.آیا فکر میکنید که اگر در آن زمان بجای آزرمیدخت‏ مردی بر تخت شاهی تکیه داشت میتوانست جلو طغیان فرخ هرمزد و امثال او را بگیرد؟بنظر اینجانب خیر؛زیرا بنا بگفتهء گریستن سن:«تعدیات و جنگهای خسرو پرویز کشور را فقیر کرده‏ و شکستهای سنوات اخیر جنگ بین ایران و روم ضربتی هولناک بر پیکر این مملکت وارد آورده‏ بود.»بدیهی است چنان اوضاع آشفته‏ای را تنها با یک حملهء مسلحانه نمیتوان منظم کرد.

در پایان بطور خلاصه عرض میکنم،از زنهای ائمه و پیشوایان دینی که ما فوق بشر عادی‏ هستند و مستغنی از توصیف میباشند بگذریم،ولی زحمات مادام کوری-همکاری خانم دکتر فلمینگ‏ با شوهرش در کشف مادهء حیات‏بخش پنی سیلین-فداکاری ژاندارک-ازخودگذشتگی فلورنس‏ نایتینگل بنیان‏گذار شغل مقدس پرستاری و بقول حکیم نظامی شاعر معروف ما نجابت و پاکدامنی‏ شیرین در برابر بلهوسیهای خسرو پرویز که بهترین درس عفت و کفّ نفس را عملا بهمهء دوشیزگان‏ آموخت،اینها همه نشانه‏ای از جای پای زن است.

قبلا عرض کردم که تاریخ‏دان نیستم و چنین ادعائی هم ندارم اما زنهای بسیاری را میشناسم‏ که از راههای مختلف بشوهران و مردان خانودهء خود کمکهای فکری و معنوی نموده‏اند،و بالاخره‏ بنا بفرمودهء پیشوای عظیم الشأن مسلمانان جای پای زن را در بهشت جاویدان نیز میتوان یافت.

ای بسا آرزو

گر بمانیم زنده بردوزیم‏ جامهء کز فراق چاک شده‏ ور بمردیم عذر ما بپذیر ای بسا آرزو که خاک شده

فخر الدین دهراجی